



# آموزش تاریخ در استرالیا

گفت و گو با دکتر دیورا هندرسن، معلم و مؤلف آموزش تاریخ در کشور استرالیا

گفت و گو: مستعد جوانان و جمشید نوروزی  
مکالمه: علی رضا نورمحمدی

## اشاره

۱۷ تا ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۴، خانه‌ی هنرمندان تهران، میزبان برگزاری کارگاه آموزشی «برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی» بود. استادان شرکت‌کننده در این کارگاه آموزشی، آقای دکتر جان لیدستون<sup>۱</sup> معلم و متخصص آموزش جغرافیا و خانم دکتر دیورا هندرسن<sup>۲</sup>، معلم و متخصص آموزش تاریخ از کشور استرالیا بودند. دلیل دعوت از این افراد برای برگزاری کارگاه آموزشی، آن بود که با ضمن داشتن تحصیلات تخصصی و تدریس در رشته‌های تاریخ و جغرافیا، چندین سال نیز در طراحی و اجرای برنامه‌ی تلفیقی مطالعات اجتماعی در استرالیا، به خصوص در ایالت کوینزلند این کشور، کار کرده بودند. هدف «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» از برگزاری این کارگاه آموزشی پنج روزه، این بود که کارشناسان و معلمان با بهره‌بردن از تجربیات کشور استرالیا بتوانند، گام‌های صحیح و مطمئنی برای طراحی و اجرای بهتر برنامه‌ی درسی تلفیقی مطالعات اجتماعی ایران، بردارند. لازم به ذکر است که دوره‌ی تحصیلی مورد نظر این برنامه در ایران،

دوره‌های تحصیلی پیش از متوسطه، یعنی ابتدایی و راهنمایی است. در هر حال فرصت پیش آمده را غنیمت دانستیم و بر آن شدیم تا در گفت‌وگویی با خانم هندرسن، از چگونگی آموزش تاریخ در کشور استرالیا نیز مطلع شویم. آن‌چه در ادامه به علاقه‌مندان آموزش تاریخ تقدیم می‌شود، حاصل این گفت‌وگوست. آقای دکتر دنیس مرادخان، ترجمه‌ی این گفت‌وگو را به عهده داشتند.

● ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار مجله‌ی رشد آموزش تاریخ قرار دادید، تقاضا می‌کنم، خودتان را معرفی کنید.

○ **هندرسن:** من دیورا هندرسن، ۱۶ سال، در مدرسه‌های ایالت کوینزلند<sup>۳</sup> استرالیا، مدرس تاریخ بودم و در حال حاضر، استاد برنامه‌ریزی درسی تاریخ، مطالعات جامعه و محیط (مطالعات اجتماعی). و مطالعات آسیا در دانشکده‌ی تعلیم و تربیت «دانشگاه تکنولوژی کوینزلند»<sup>۴</sup>، هستم. علاوه بر این، ریاست انجمن معلمان تاریخ کوینزلند، انجمن معلمان تاریخ کشور

استرالیا و انجمن (شبکه) متولیان امور تربیتی در حوضه‌ی تاریخ را بر عهده دارم. مدتی نیز رئیس کمیته‌ی فرعی تاریخ در پروژه‌ی ملی برنامه‌ریزی مطالعات اجتماعی استرالیا بودم و در تألیف هفت کتاب درسی در زمینه‌ی آموزش تاریخ، برای مدرسه‌های ایالت کوینزلند، فعالیت کرده‌ام.

● در انجمن معلمان تاریخ، چه فعالیت‌هایی انجام شده است؟  
○ در واقع اعضای این انجمن استادان تاریخ دانشگاه‌ها هستند. بهتر است ابتدا با یک پیشینه‌ی ذهنی شروع کنم. در سال‌های اخیر، شیوه‌ی تدریس تاریخ در ایالت کوینزلند و در کل استرالیا، دچار تغییر و تحول بسیاری شده و این امر، به وسیله‌ی انجمن حرفه‌ای معلمان تاریخ عملی شده است. یکی از کارهای این انجمن، ارائه‌ی راهکار و تمرین برای موفقیت در انجام این تحولات بوده است. در واقع انجمن، به معلمان تاریخ کمک کرد تا بتوانند تغییراتی را که قرار بود، در برنامه‌ی درسی تاریخ به وجود بیاورد، درست درک، و صحیح اجرا کنند.

اجازه بدهید توضیح دقیق‌تری بدهم. ۳۰ سال پیش، تدریس تاریخ در مدرسه‌های استرالیا به صورت کاملاً سنتی دنبال می‌شد. در آن موقع، مطالب تاریخی که معلمان درس می‌دادند، فقط جنبه‌ی توصیفی داشت؛ توصیفی از اتفاقات و وقایعی که در گذشته رخ داده بودند. در آن زمان، تنها کاری که دانش‌آموزان می‌کردند، خواندن مطالب تاریخی و داستان‌ها و بیان آن‌ها بود. تدریس تاریخ نیز به بیان مجموعه‌ای از وقایع خلاصه می‌شد و در فراگیری این درس، پیدا کردن درک عمیق و تحلیل امور و قیاس تاریخی نه تنها وجود نداشت که تشویق هم نمی‌شد.

همان‌گونه که گفتم، در سال‌های اخیر، برنامه‌ی آموزش تاریخ در کشور استرالیا تغییر اساسی یافت. در انجام این کار، ما به شدت تحت تأثیر پروژه‌های آموزشی انجمن فرهنگی انگلستان در استرالیا قرار گرفتیم. البته ما این تغییر را توسط انجمن معلمان تاریخ پیگیری کردیم و به اجرا درآوردیم. خود من در این انجمن پروژه‌ای داشتم با عنوان «تاریخ چیست؟» یا: «تاریخ، شامل چه مطالبی است؟» برای انجام این تغییرات، از کارشناسان و متخصصان آموزش تاریخ انگلستان بسیار کمک گرفتیم. ارزیاب‌های ارشد برنامه‌ی درسی تاریخ انگلستان را به استرالیا دعوت و در کنفرانس‌های گوناگون، پیرامون چگونگی این امر با آنان صحبت کردیم و از آنان خواستیم که برای کارگاه‌های آموزشی برگزار کنند.

در نتیجه‌ی این تدابیر و اقدامات، برنامه‌های درسی تاریخ در کشور ما دچار تغییر و اصلاح شدند و قرار شد در آموزش، تأکید بیش‌تری روی شیوه‌ی پرسشگری و تحقیق در امور و وقایع تاریخی بشود. در وضعیت جدید، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود،

نقطه‌نظر خود را در مورد چگونگی نوشتن کتاب‌های تاریخی اصلی و فرعی منابع آن‌ها ابراز کنند. همچنین از آنان می‌خواهند که در مطالعه‌ی تاریخ، دید نقادانه داشته باشند.

● خانم دکتر! فکر نمی‌کنید، تأکید افراطی و بیش از حد روی پرسشگری دانش‌آموزان، موجب شود که کم‌تر به محتوا بپردازیم؟  
○ بله، این موضوع نگرانی را کاملاً درک می‌کنم. ولی ما سعی کردیم، نوعی تعادل به وجود بیاوریم. قبل از اجرای برنامه‌ی جدید، اصلاً این تعادل وجود نداشت. طی نظرخواهی و بازخوردی که درباره‌ی وضع آموزش تاریخ قبل از اجرای برنامه‌ی جدید، از طریق پرسش از دانش‌آموزان به دست آوردیم، فهمیدیم که به نظر دانش‌آموزان، درس تاریخ بسیار خسته‌کننده و بی‌ربط است. بر این اساس، کوشیدیم بین آموزش تاریخ و علاقه‌های دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنیم. تلاش کردیم، موجبات تحقق این امر را، در کتاب‌های درسی جدید تاریخ منعکس کنیم و هنگام آموزش تاریخ، به دنبال اجرای عملی و کامل آن باشیم.

وقتی می‌گویم که در سال‌های اخیر به پرسشگری و دیدگاه نقادانه توجه شده است، به این معنی نیست که دانش‌آموزان اصل موضوع تاریخ را یاد نمی‌گیرند. از آن طرف می‌دانیم که در صورت توجه صرف به فراگیری اتفاقات و وقایع تاریخی، مخاطبان مطالب کافی و زیادی نمی‌آموزند. یکی از اصولی که در برنامه‌ریزی جدید درس‌های تاریخ مدنظر قرار دارد، این است که با مجموعه‌ای از سؤالات فرعی، هم دیدگاه نقادانه را تقویت کنیم و هم زمینه‌های درک عمیق‌تر مطالب تاریخی را فراهم نماییم. برای مثال، می‌خواهیم دانش‌آموزان هنگام مطالعه‌ی تاریخ چین، بدانند و بفهمند که چرا و چگونه کمونیست‌ها در سال ۱۹۴۹ موفق شدند، قدرت را به دست بگیرند. به این ترتیب، ابتدا سؤالی اساسی یا کلیدی را در این زمینه مطرح می‌کنیم و سپس، مجموعه‌ای سؤالات فرعی را هم در ادامه‌ی آن، تا از این طریق، دانش‌آموزان برای تحقیق و تعمق بیش‌تر روی مطالب تاریخی، راهنمایی و هدایت شوند. در این راستا برای مثال، دانش‌آموزان باید بروند و ببینند که چین از نظر سابقه و نیز سنت‌های تاریخی و اجتماعی، چگونه بوده است و امپراتوری‌های قبل از انقلاب، چه طور اداره می‌شده‌اند. در نتیجه‌ی این سؤالات و فعالیت‌ها، دانش‌آموزان مجبورند مقدار زیادی کتاب بخوانند و تحقیق کنند. یا مثلاً باید تحقیق کنند که امپریالیسم غربی، چه تأثیری بر بی‌ثبات کردن آخرین امپراتوری چین داشته است.

بعد از مطالعه و تحقیق دانش‌آموزان، به مراحل بعدی این موضوع تاریخی پرداخته می‌شود. به این ترتیب، به جای این که کتاب فقط به محتوای داستانی و تاریخ واقعی‌ی مورد اشاره و این که چه اتفاقی، چگونه رخ داده است، بپردازد. با نگاهی نقادانه و

همراه با تحقیق به موضوع توجه خواهد داشت و از این طریق، به جنبه‌های گوناگون تاریخی چین در زمان انقلاب می‌پردازند و همچنین اثر تهاجم ژاپن به چین را نیز بررسی می‌کند. دانش‌آموزان با این روش در می‌یابند که چرا کمونیست‌ها در انقلاب کمونیستی ۱۹۴۹ به موفقیت رسیدند.

دقت بفرمایید، وقتی می‌گوییم ما نگاه پرسشگر را مدنظر داریم، به این معنی نیست که محتوای دانشی را نادیده می‌گیریم. احساس و اعتقاد ما این است که دانش‌آموزان باید بتوانند، به صورت عمیق و با نگاه نقادانه تحولات تاریخی را بررسی کنند. ولی این رویکرد معایبی هم دارد. از جمله این که ما نمی‌توانیم مطالب زیادی را ارائه کنیم. ممکن است در برخی مدرسه‌ها، دانش‌آموزان فقط بتوانند چند موضوع تاریخی مانند: کمونیسم، نازیسم و فاشیسم را مطالعه و بررسی کنند.

● آیا در آموزش تاریخ، این دغدغه را دارید که دانش‌آموزان تمام تاریخ و گذشته‌ی استرالیا را بشناسند، یا اصلاً نگران این موضوع نیستید و اصراری برای پرداختن به همه‌ی تاریخ کشورتان ندارید؟ (این تصمیم باید گرفته شود که برای مطالعه‌ی کدام یک از مراحل تاریخی، زمان بیش‌تری اختصاص دهیم. برای مثال، یکی از برهه‌های زمانی و موضوعات تاریخی که قصد تأکید بیش‌تری روی آن داریم، مقطعی است که تحولات خاصی در تاریخ استرالیا رخ داد و در نهایت، موجب به وجود آمدن هویت ملی استرالیایی‌ها شد. همچنین برای ما، شرکت استرالیا در جنگ جهانی اول و دوم، و نیز مشارکت در جنگ‌های ویتنام اهمیت دارد و به آن‌ها پرداخته‌ایم. البته بعضی از موضوعات را بنا به دلایلی نتوانستیم مطرح کنیم. مثلاً در مورد مشارکت استرالیا در جنگ کره، خیلی کم صحبت کرده‌ایم. بعضی از دانش‌آموزان، مشارکت استرالیا در جنگ کره را اصلاً مطالعه نمی‌کنند. آن دسته از سربازان استرالیایی که در جنگ کره شرکت داشتند، معتقدند که این کار بسیار غلطی بوده است. به هر حال این مشکل هست که ما نمی‌توانیم به بررسی و مطالعه‌ی همه‌ی موضوعات تاریخی بپردازیم.

● حالا این سؤال مطرح می‌شود که امتحان و ارزشیابی درس تاریخ در استرالیا به چه شکل انجام می‌شود؟

○ این نکته که درباره‌ی آموزش تاریخ گفتم، در مورد دانش‌آموزان سال آخر، سال ۱۱ و ۱۲، است. یعنی پیش از این که دانش‌آموزان به دانشگاه بروند و به صورت تخصصی با بعضی درس‌ها مانند تاریخ و جغرافی برخورد بکنند، این روش آموزش تاریخ را تجربه می‌کنند. در واقع برنامه‌ی ما، رویکردی بسیار نظام‌مند دارد. در هر ترم تحصیلی، معلمان باید از بین طیف وسیعی از موضوعاتی که باید تدریس شود، برخی از موضوعات را

انتخاب کنند. سپس باید برنامه‌ای کاری بنویسند و در آن، انتخاب‌های خود را توجیه کنند. آنان باید توضیحی دهند که چرا این موضوعات را انتخاب کرده‌اند. بعد از این که برنامه‌ی خود را تبیین کردند، باید شرح دهند که هر کدام از موضوعات انتخابی را چگونه ارزشیابی می‌کنند. در پایان سال ۱۱، معلم باید برنامه‌ی کاری خود را به مرکز ایالت بفرستد. به این ترتیب، معلمان علاوه بر بیان درک و برداشت خویش از سرفصل‌ها و کل برنامه، معیارها و چگونگی ارزشیابی مواد و اجزای برنامه نیز ذکر می‌کنند. پس، مهم این نیست که معلمان چه طور نمره می‌دهند، بلکه مهم آن است که آنان از چه معیار و ملاکی برای نمره دادن استفاده می‌کنند.

### ● منظور از معیار چیست؟

○ برای مثال، وقتی من از دانش‌آموزان می‌خواهم که انشایی بنویسند، آنان باید بدانند که انشایشان طبق چه معیاری تصحیح می‌شود. مثلاً ممکن است توانایی آن‌ها در ساختار بخشی منطقی به یک استدلال، یا توانایی شان در استدلال درست برای توضیح و حمایت از یک ایده، و یا قدرت آن‌ها در استفاده از مفاهیم مرتبط و مهم، ملاک و معیار ارزشیابی باشد. اگر کاری که به عهده‌ی دانش‌آموزان است، پروژه‌ای تحقیقی باشد، ممکن است ارائه‌ی منابع و کتاب‌شناسی پروژه‌ی آنان نیز مدنظر باشد.

● من این‌طور فهمیدم که قرار نیست معلم در پایان ترم، به دانش‌آموزان برگه‌ی امتحان بدهد و آن‌ها موظف باشند به مندرجات برگه‌ها پاسخ بدهند. بلکه نظر و قضاوت معلم تعیین می‌کند که دانش‌آموزان چه چیزهایی را فهمیده و یا چه چیزهایی را نفهمیده‌اند.

○ بله، درست است. ولی ممکن است که معلم، قضاوتی کلی بکند و بگوید این دانش‌آموز خیلی خوبی است و یا دانش‌آموز خوبی نیست. اما باید ریزنمره‌ها را هم بگوید و نمونه‌ی کارهای دانش‌آموزان ضعیف، متوسط و قوی را هم ارائه بدهد. این مطالب، به همراه امتحان و برنامه‌ی کاری که معلم تدوین کرده است، با هم جمع و به مرکز ارسال می‌شوند. این سوابق و مدارک برای بررسی، به گروهی از معلمان با تجربه داده می‌شود. به این ترتیب، مدارک ارسال شده از تمام مدرسه‌های هر منطقه جمع‌آوری و به وسیله‌ی گروهی از معلمان مجرب بررسی می‌شود. اعضای این گروه تصمیم می‌گیرند که آیا معلمان، معیارهای فراگیری و نمره دادن را رعایت کرده‌اند یا نه. مثلاً ارزشیابی متوسط، ضعیف، یا قوی را چگونه انجام داده‌اند؟ آیا معیارهای ارزشیابی آنان، ثابت و پایا هستند یا خیر؟ و با دیدن هر اشکال جزئی یا کلی، مدارک را به مدرسه و معلم برمی‌گردانند تا تغییرات لازم را اعمال کند.

### ● چه تغییراتی؟

○ برای مثال، ممکن است نمونه‌ی کاری که معلم فرستاده و بر مبنای آن ارزیابی کرده است که کار این دانش‌آموز بسیار خوب



است، توسط اعضای این گروه خوب ارزیابی شود، نه بسیار خوب. در این صورت، باید سطح نمره‌ی آن فرد را تغییر دهند. این تغییر نمره‌ی دانش‌آموزان تا پایه‌ی ۱۲ ممکن است به همین شکل اتفاق بیفتد، ولی در پایان پایه‌ی ۱۲، باید دانش‌آموزان در امتحان نهایی شرکت کنند. تمام برگه‌های امتحانی، برای یک هیأت رسمی تصحیح برگه‌ها، ارسال می‌شود. نتیجه‌ی این امتحانات است که مثل کنکور ایران، ملاک ارزیابی ورود به دانشگاه قرار می‌گیرد. یعنی این هیأت رسمی تصمیم می‌گیرد که با توجه به کارها و تکالیف انجام شده توسط هر دانش‌آموز و نیز نمرات امتحاناتی که داده است، آیا استحقاق ورود به دانشگاه را

می‌کند تا معلمان در این باره، اطلاعات بیش‌تری کسب کنند. به علاوه، در مجله‌ی انجمن، گزارش‌هایی که معلمان در این ارتباط می‌فرستند، تهیه و چاپ می‌شود.

● در ایران، دانش‌آموزان بعد از این که از دوره‌ی راهنمایی به دوره‌ی متوسطه رفتند، رشته‌های تحصیلی متفاوتی را انتخاب می‌کنند. در بیش‌تر رشته‌های تحصیلی دوره‌ی متوسطه، خیلی کم تاریخ می‌خوانند و تنها در یکی از رشته‌های تحصیلی یعنی ادبیات و علوم انسانی، با تاریخ بیش‌تر سروکار دارند. در استرالیا، وضع چگونه است؟

○ در استرالیا، دانش‌آموزان می‌توانند از بین تاریخ باستان، تاریخ



دارد یا نه؟

به این ترتیب پیشاپیش، معلمان در کنار سرفصل‌های برنامه‌های خود، مشخص می‌کنند که معیار آن‌ها برای امتحان و نمره دادن به یک انشا، گزارش یا مقاله، چه چیزی است. سپس تمام کارهای آموزشی و ارزشیابی، مطابق آن معیارها صورت می‌گیرند. در کویزلند، این نظام ارزشیابی، نظام ارزشیابی «مدرسه محور» نام دارد. اگر اختلاف نظری بین نظر هیأت محلی و رسمی و نیز هیأت مدرسه‌ها در ارزشیابی به وجود بیاید، هیأتی بالاتر (در سطح ایالتی) اختلاف آن‌ها را بررسی و حل می‌کند. من به عنوان معلم، هم عضو این هیأت‌های محلی بوده‌ام و هم عضو هیأت‌های ایالتی. انجمن معلمان تاریخ ایالت کویزلند، به صورت مداوم، کارگاه‌ها و کنفرانس‌هایی در این زمینه برگزار

جدید، جغرافیا و اقتصاد، یکی را انتخاب کنند. رشته‌هایی هستند که به خودی خود، ارزش بالایی دارند. دانش‌آموزان می‌توانند دو سال روی تاریخ معاصر و یا تاریخ باستان کار کنند، اما در پایه‌ی ۱۱ و ۱۲، حتماً باید ۶ درس را بخوانند. معمولاً دانش‌آموزان از بین تاریخ قدیم یا تاریخ معاصر (جدید)، باید یکی را انتخاب کنند. تعداد افرادی که به هر یک از این دو شاخه روی می‌آورند، و تمایل دارند روی آن مطالعه کنند، تقریباً به یک اندازه هستند. تعداد دانش‌آموزان علاقه‌مند به هر یک از این دو گرایش تاریخ، حدود ۱۱ هزار نفر می‌شود. در سال‌های اخیر، شمار افرادی که داوطلبانه تاریخ جدید و قدیم را انتخاب می‌کنند، افزایش یافته است. علت افزایش تعداد دانش‌آموزان علاقه‌مند به تاریخ این است که کتاب‌های درسی جدید تاریخ استرالیا ارتباط بهتر و

بیش تری با مخاطبان برقرار کرده اند.

● آیا خانواده‌ها در انتخاب بچه‌ها دخالت نمی‌کنند؟ یعنی به آن‌ها تحمیل نمی‌کنند که تاریخ انتخاب بکنند یا نکنند؟

○ در این زمینه، با اطمینان کامل نمی‌شود چیزی گفت. چون شماری از دانش‌آموزان فقط درس‌هایی را که برای رفتن به دانشگاه لازم است، انتخاب و مطالعه می‌کنند. بعضی از دانش‌آموزان، نگاه پرستشگرانه و نقادانه به جامعه ندارند. این‌ها درس مهارت‌های زندگی را انتخاب نمی‌کنند. البته بعضی از خانواده‌ها هم هستند

که فکر می‌کنند تاریخ، درسی بیگانه

با زندگی روزمره و مربوط به گذشته

است. ما خیلی تلاش می‌کنیم که به

این خانواده‌ها بفهمانیم که تاریخ

هنوز هم مهم و هیجان‌انگیز است.

انجمن‌های معلمان تاریخ در

ایالت‌ها، دستورالعمل‌هایی دارند؛ از جمله این که به منظور

تشویق معلمان برای ارتقای توان علمی‌شان در زمینه‌ی آموزش

تاریخ تلاش کنند. همچنین، به دنبال ترویج علاقه به تاریخ، در

میان خانواده‌ها و دانش‌آموزان باشند. تأکید روی این امور از آن

روست که ما، رقابت زیادی با رشته‌های دیگر، به خصوص علوم

و فناوری، داریم.

● رقابت یعنی چه؟

○ یعنی این که تلاش کنیم افراد را علاقه مند کنیم، به جای این که

بروند علوم و فناوری بخوانند، بیایند تاریخ بخوانند. به هر حال ما

رقیب‌هایی داریم. مثلاً استادان علوم می‌گویند که وقت گذاشتن

برای تاریخ، فقط عمر تلف کردن است.

● وضعیت درس تاریخ، در نظام آموزشی استرالیا چگونه است؟

نگاه حکومت و برنامه‌ریزان درسی به تاریخ، در مقایسه با بقیه‌ی

درس‌ها چگونه است؟

○ به خاطر داشته باشید که استرالیا کشوری فدرال است و هر

ایالت، برای خودش تصمیم‌گیری مستقل دارد. بعضی از

مدرسه‌های استرالیا، توجه خاصی به آموزش تاریخ دارند. حتی

برخی مراکز آموزشی، تلاش قابل توجهی برای ترویج آموزش هر

چه بهتر تاریخ در سراسر استرالیا می‌کنند. ولی نظام حکومتی و

آموزشی ما به گونه‌ای است که نمی‌توانیم معلمان را مجبور کنیم

که از مواد درسی مشخص و محدودی استفاده کنند. تمام

ایالت‌های استرالیا، حتماً از تاریخ به عنوان یکی از درس‌ها در

برنامه‌ی درسی خود استفاده می‌کنند، ولی بدیهی است که میزان

محبوبیت درس تاریخ، در هر ایالت با ایالت دیگر متفاوت است.

جایگاه تاریخ در سطح مدرسه‌های دوره‌ی متوسطه‌ی استرالیا، تا

حدی به میزان استقبال خود دانش‌آموزان از این درس بستگی دارد.

به این ترتیب، اگر تعداد کمی از دانش‌آموزان درس تاریخ را انتخاب

کنند، معاون یا رئیس مدرسه از تشکیل کلاس تاریخ جلوگیری

می‌کند. زیرا معتقدند که تشکیل کلاس برای این تعداد کم، موجب به

هدر رفتن منابع می‌شود. البته ممکن است که برخی مسؤولان ایالتی

از مدرسه بخواهند که حتماً تاریخ را در برنامه‌ی درسی خود لحاظ کنند.

با این حال طبیعی است که جایگاه تاریخ در هر کشور تا

حدودی به چگونگی برخورد معلمان تاریخ بستگی دارد. اگر

معلمان خوبی برای تدریس تاریخ نداشته باشیم و یا آنان هنگام

درس دادن علاقه و توجه و کافی

نداشته باشند، ممکن است درس

تاریخ از مدرسه‌ها کاملاً کنار برود.

برای همین است که در ایالت‌های

متفاوت استرالیا، و نیز در سطح

ملی، انجمن‌های حرفه‌ای معلمان

تاریخ به صورت فعالانه به دنبال ترویج بهینه‌ی آموزش تاریخ

هستند. در واقع خود معلمان تاریخ استرالیا، در پی تثبیت و ترقی

جایگاه خودشان هستند.

در حال حاضر، جایگاه درس تاریخ در استرالیا، چالشی است

که ما با آن روبه‌رو هستیم. در این راستا برآیم با شیوه‌های گوناگون

به دانش‌آموزان بگویم که درس تاریخ، درس بسیار مفیدی است

و مطالب و آموخته‌های این درس می‌تواند به زندگی امروز

دانش‌آموزان هم مربوط باشد.

● معلمان تاریخ استرالیا برای این که کارشان را بهتر انجام بدهند،

چه آموزش‌هایی می‌بینند؟ آیا آن‌ها در دانشگاه‌های استرالیا

آموزش‌های عمومی و موضوعی می‌بینند و سپس به این شغل

می‌پردازند؟ یا با گذراندن دوره‌ی آموزش تاریخ، تخصص و

معلومات لازم برای آموزش هر چه بهتر تاریخ را به دست می‌آورند؟

○ وقتی معلمی تاریخ را برای تدریس انتخاب می‌کند. ابتدا باید

مخلوطی از انگلیسی و تاریخ، و یا یکی از آن‌ها را برای تدریس

انتخاب کند. به این ترتیب می‌تواند به صورت پاره‌وقت و در ضمن

گذراندن دوره‌های تحصیلات تکمیلی فوق لیسانس و دکترا، به

فراگیری آموزش‌های لازم بپردازد. حتی معلمانی که سن آن‌ها

بالاست، صرف نظر از این که چند سال به این کار مشغول بوده‌اند،

حتماً باید این دوره‌ها را به صورت منظم بگذرانند. در این زمینه،

انجمن معلمان تاریخ در ایالت‌ها، نقش فعال و قابل توجهی به

عهده دارند. برای مثال، انجمن معلمان تاریخ کوینزلند، همواره

تلاش دارد با ترغیب و تشویق معلمان، افراد بیش تری را به شرکت

در دوره‌های آموزش تاریخ راضی کند. این انجمن، با ارائه‌ی

گواهی‌نامه‌های پایان دوره برای آن دسته از معلمان تاریخ که در

دوره‌های تخصصی و کوتاه‌مدت آموزش تاریخ شرکت می‌کنند،

می‌کوشد آن‌ها را تشویق کند، در اوقات فراغت یا روزهای تعطیل، این دوره‌ها را بگذرانند.

● آیا نظارتی بر چگونگی کار معلمان تاریخ در مدرسه‌ها دارید؟ اگر این نظارت وجود دارد، این کار را با چه شیوه‌ای و چگونه انجام می‌دهید؟

○ بله، ابتدا که معلمان تاریخ شروع به تدریس می‌کنند، ثبت نام آن‌ها به صورت موقت و مشروط است. برای این که این افراد به استخدام رسمی دربیایند، باید تلاش زیادی بکنند تا بتوانند صلاحیت و شایستگی خود را برای این شغل، اثبات کنند. البته بعد از استخدام، نظام رسمی بر چگونگی کار آنان نظارت ندارد و دیگر این کار و وظیفه‌ی مدیر مدرسه است. علاوه بر همه‌ی این‌ها، اگر معلمان بخواهند ارتقا یابند و به مراحل بالاتر بروند، حتماً باید توانایی‌های حرفه‌ای خودشان را به اثبات برسانند.

● میزان علاقه و انگیزه‌ی معلمان تاریخ استرالیا برای انجام کارشان چه قدر است؟ آیا در مجموع، آنان کارشان را با علاقه و جدیت به انجام می‌رسانند یا نه؟ آیا مشکلاتی در این زمینه وجود دارد؟

○ بله، ما در این زمینه مشکلاتی داریم. مثل مدرسه‌های کشورهای دیگر دنیا، ما هم افرادی داریم که خودشان را وقف تدریس کرده‌اند و با تمام وجود کار می‌کنند. این معلمان، اشخاص بسیار خوبی هستند و کارشان را با علاقه و موفقیت انجام می‌دهند. در مقابل، معلمان تنبلی هم هستند که خوب کار نمی‌کنند و انگیزه‌ای برای شرکت در برنامه‌های انجمن تاریخ ندارند. کار خیلی سختی است که ما، به این معلمان تنبل برای کار کردن انگیزه بدهیم. در مدرسه‌هایی که چنین معلمانی مشغول تدریس تاریخ هستند، دانش‌آموزان تاریخ را درس خسته‌کننده‌ای می‌دانند. با وجود این، بیش‌تر معلمان، تمام وقت‌شان را برای ارتقای خود می‌گذارند و بسیار خوب و سخت هم کار می‌کنند.

● خانم دکتر! در آموزش تاریخ مدرسه‌ها، وضع درس تاریخ از لحاظ در اختیار داشتن امکانات کمک آموزشی در مقایسه با سایر درس‌ها چگونه است؟ آیا همکاری مدیران مدرسه‌ها با معلمان تاریخ، خوب و کافی است؟

○ هندرسن: این امر، به دیدگاه مدیر هر مدرسه بستگی دارد. البته این که معلم درس تاریخ چگونه است، و میزان فعالیت و علاقه‌اش چه قدر است نیز در این امر تأثیر دارد. اگر مدیر مدرسه، از میان معلمان فعال و علاقه‌مند انتخاب شده باشد، مشکلات معلمان تاریخ هم کم است. با این حال، بیش‌تر معلمانی که خودشان را وقف انجام بهتر کارشان می‌کنند، چرا از این که مدیر چه کسی است، مشکلات چندانی ندارند. آنان می‌توانند کار خودشان را به خوبی انجام دهند و به اندازه‌ی وقت خود از امکانات و وسایل استفاده کنند. یکی از امکاناتی که در

اختیار مدیران مدرسه‌ها و معلمان متوسطه قرار دارد، دو روز تعطیلی در هفته است. این دو روز، برای تحقیقات حرفه‌ای معلمان در بیرون از مدرسه اختصاص یافته است. معمولاً مدیران مدرسه‌ها، برای در اختیار گذاشتن این زمان سخت‌گیری ندارند و مشکلی ایجاد نمی‌شود. اغلب مدیران این فرصت مطالعاتی را در اختیار معلمان تمام درس‌ها قرار می‌دهند.

● آیا معلمان علاقه‌مند تاریخ در استرالیا برای انجام تدریسان، آزادی عمل کافی دارند؟ منظوری این است که آیا هیچ محدودیتی مانعی، در اجرای آموزش‌های مورد نظرشان وجود ندارد؟

○ به طور کلی، استرالیا کشور بسیار آزادی است و محدودیت‌های زیادی نداریم با این حال، همیشه به معلمان توصیه می‌کنیم که در تدریس، تأمل و احتیاط داشته باشند. زیرا ممکن است بعضی از والدین، نسبت به طرح برخی مطالب در مدرسه حساسیت و مشکل داشته باشند. به معلمان می‌گوییم، سعی کنند در بیان بعضی موضوعات خیلی منطقی باشند و مسائل را خوب و دقیق مطرح کنند تا برخی از دانش‌آموزان و خانواده‌ها، و حتی حکومت دچار حساسیت نشوند. اما مثلاً وقتی دولت استرالیا تصمیم گرفت که برای شرکت در جنگ عراق (جنگ دوم خلیج فارس) سرباز بفرستد، کاریکاتورهایی از نخست‌وزیر استرالیا در مطبوعات چاپ شدند. حتی بعضی از کاریکاتورها، نخست‌وزیر استرالیا را به عنوان دست‌نشانده‌ی رئیس‌جمهور آمریکا، جورج بوش، نشان می‌دادند. برخی از معلمان، این مطالب مطبوعات را در کلاس منعکس می‌کردند و در این خصوص مشکلی هم با حکومت نداشتیم.

● با توجه به این که در برنامه‌ی درسی سال‌های پیش از دوره‌ی متوسطه‌ی استرالیا، موضوع تاریخ نه به صورت مستقل، بلکه در ضمن برنامه‌ی درسی تلفیقی مطالعات اجتماعی آموزش داده می‌شود، آیا معلمان تاریخ و صاحب‌نظران آموزش تاریخ استرالیا، مخالفتی با این موضوع ندارند؟ آیا آنان گمان نمی‌کنند که از این طریق، مقوله‌ی تاریخ، در نظام آموزشی استرالیا کم‌رنگ و محدود شده است؟

○ ما در این زمینه، فراز و نشیب بسیاری را از سرگذرانده‌ایم. ابتدا عده‌ی زیادی نگران بودند، ولی به مرور، شماری از آنان متوجه شدند که هدف برنامه‌ی مطالعات اجتماعی، حذف تاریخ از برنامه‌ی مدرسه‌ها نیست، بلکه ارائه‌ی جذاب و متنوع موضوعات متفاوت، از جمله تاریخ، مدنظر است. در ضمن، بسیاری متقاعد شده‌اند که باید به توان ذهنی دانش‌آموزان توجه کنیم. بالاخره برنامه‌ریزان درسی و معلمان، باید حوصله و علاقه‌ی دانش‌آموزان را هم به گونه‌ای در نظر بگیرند. البته بخشی از نگرانی‌ها، به واسطه‌ی آشنایی کم معلمان و تحصیلکردگان تاریخ با چگونگی برنامه‌ی تلفیقی مطالعات اجتماعی بود. گروهی فکر

می کردند، میزان مطالب تاریخی برنامه‌ی مطالعات اجتماعی، بسیار اندک خواهد بود. در حالی که بعدها دیدند، هر چند در دوره‌ی پائین تحصیل، یعنی دوره‌های ابتدایی، تلفیق کامل دنبال شد، ولی در دوره‌های بالاتر، یعنی راهنمایی، موضوع‌هایی مثل تاریخ، هویت و حضورشان را کم و بیش حفظ کردند. در کتاب‌های درسی این دوره در استرالیا، تاریخ در قالب چندین درس مستقل ارائه شده، منتها شیوه‌ی آموزش تاریخ در این برنامه متفاوت است. به عبارت دیگر، چنانچه به جای ارائه تاریخ محض و عمدتاً سیاسی، به ارائه‌ی تاریخ اجتماعی و تمدنی بپردازیم، به واقع زمینه‌ی تلفیق تاریخ با موضوعات دیگر علوم انسانی و اجتماعی، مانند: اقتصاد، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، جغرافیا و حقوق بشر را خود به خود مهیا کرده‌ایم. به نظر اگر در طراحی

هم اکنون، ما تلاش می‌کنیم که دانش آموزان را به سمت این موضوع، یعنی بومیان استرالیا، پیش تر سوق دهیم و از این طریق، به آن‌ها بگوییم که استرالیا هم تاریخی طولانی دارد.

برنامه‌ی تلفیقی مطالعات اجتماعی حوصله و دقت کافی به خرج دهید، و محتویات برنامه را مدام اصلاح و تکمیل کنید. بی شک مطالب قابل توجهی از حوزه‌ی تاریخ را می‌توان در برنامه‌ی مطالعات اجتماعی قرار داد. در این صورت، نگرانی معلمان و صاحب نظران تاریخ در مورد برنامه‌ی تلفیقی کاهش می‌یابد.

● با توضیحات شما، این ذهنیت پیش می‌آید که ارائه‌ی مطالب تاریخی از طریق برنامه‌ی تلفیقی مطالعات اجتماعی برای دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی، بسیار شبیه و نزدیک به شیوه‌ی ارائه‌ی دیسپلینی تاریخ در برخی از کشورهای اروپایی چون انگلستان است؛ یعنی همان ارائه‌ی تاریخ اجتماعی و تمدنی. آیا این برداشت، صحیح است؟

○ بله، حدس شما درست است. به نظر ما، تفاوت اساسی میان شیوه‌ی آموزش تاریخ در انگلستان که ظاهراً رویکرد تلفیقی را پذیرفته است، با آنچه ما برای برنامه‌ی مطالعات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی انجام دادیم، وجود ندارد. اگر به مندرجات کتاب‌ها و برنامه‌های آن‌ها خوب توجه بکنید، متوجه می‌شوید که آن‌ها هم در ضمن حفظ موضوع اصلی، تلاش دارند که تاریخ را با موضوعات دیگر مانند: اقتصاد، سیاست، حقوق، جغرافیا، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی تلفیق کنند.

● در این صورت بفرمایید که رویکرد تلفیقی، با مقوله‌ی تقدم و تأخر رویدادهای تاریخی و به اصطلاح رویکرد «کرونولوژیک» چگونه کنار می‌آید؟ یعنی چگونه می‌توان به این موضوع که در رویکرد دیسپلینی سخت مدنظر است، توجه کرد؟

○ متوجه نگرانی شما هستیم. واقعیت آن هست که در رویکرد تلفیقی، نگاه به دانش آموز و تربیت شهروند است و اهتمام به

موضوعات تخصصی علوم گوناگون از جمله تاریخ، در حاشیه قرار دارد. روشن است که این موضوع، در برنامه‌ی تلفیقی مطالعات اجتماعی، به راحتی و جامعیت رویکرد سنتی قابل پیاده شدن نیست. اما در عین حال، در رویکرد تلفیقی در بعضی جاها، امکان پرداختن به این موضوع هم تا حدی مهیا می‌شود. می‌دانید که در رویکرد تلفیقی، به جای تاریخ، راهبرد (مدخل) «زمان، تداوم و تغییر» مدنظر است. یعنی در ضمن این راهبرد، به موضوع تاریخ توجه می‌شود. در این صورت، بیش تر تلاش می‌شود که روی آن دسته از مطالب تاریخی که با زندگی کنونی بچه‌ها ارتباط ملموس تری دارند، تأکید شود. برای مثال، بر مقوله‌ی تغییر امکانات و وسایل و شیوه‌ی زندگی انسان‌ها، در گذر زمان، تأکید و تأمل زیادی می‌شود. بدیهی است که در برنامه‌ی تلفیقی، تعقیب سیر منظم وقایع و رویدادهای سیاسی و تاریخی، محور توجه برنامه‌ریزان نخواهد بود.

● به این ترتیب، تمدن‌های قدیم را در برنامه‌ی تلفیقی نمی‌توان ارائه کرد.

○ در کتاب‌های موجود سه سال آخر پیش از دوره‌ی متوسطه‌ی (راهنمایی) استرالیا، به برخی از تمدن‌های قدیم، مانند مصر و بین النهرین، پرداخته شده است. حتی اشاره‌ای هم به تاریخ و تمدن ایران، در دوره‌ی باستانی داریم. با این حال، قبول داریم که در برنامه‌ی تلفیقی مطالعات اجتماعی نمی‌توان، به صورت پیوسته تاریخ و تمدن جهان را بیان کرد. در کتاب‌های موجود تاریخ، ما بیش تر به تاریخ خودمان توجه داریم و کشورهای دیگر را به صورت پراکنده مدنظر قرار می‌دهیم.

● با این حساب، تأیید می‌کنید که ارائه‌ی تاریخ طولانی ایران در قالب برنامه‌ی تلفیقی مطالعات اجتماعی، مشکل است؟

○ بله. من متوجه قدمت و طولانی بودن تاریخ شما هستم و قبول دارم که نمی‌توان این همه تاریخ طولانی را در برنامه‌ی تلفیقی مطالعات اجتماعی آورد. با این حال، به نظر ما باید همچنان به ظرفیت مخاطبان توجه کنیم و متناسب با توان آنان دست به گزینش و انتخاب بزنیم. شاید به جای طرح تمام مطالب تاریخ سیاسی ایران، بتوان به ارائه‌ی فرازهای مهم و سرنوشت ساز آن اکتفا کرد. البته در این صورت، باید به ضرورت حفظ پیوند و ارتباط دوره‌های تاریخی ایران هم توجه کنید. اما یک راه آسان‌تر آن است که در برنامه‌ی تلفیقی مطالعات اجتماعی، به جای تأکید و توجه زیاد بر تاریخ سیاسی ایران، به مقوله‌ی تمدن و فرهنگ ایران بیش تر تمرکز و توجه شود. این مباحث، هم مورد علاقه‌ی دانش آموزان است و هم به آسانی با دیگر مقولات موضوعی مورد نظر در برنامه‌ی تلفیقی پیوند می‌خورد.



● خانم دکتر! با بررسی بعضی از کتاب‌های درسی تاریخ شما، فکر می‌کنیم که مطالب مطرح شده در کتاب‌های شما در مورد ایران بسیار اندکند. آیا دلیل خاصی برای این کار وجود دارد؟

○ بله، قبول دارم. واقعیت آن است که اطلاعات ما از تاریخ و تمدن ایران کم است. ما بیش‌تر به تاریخ قبل از اسلام ایران توجه داشته‌ایم. اما قول می‌دهم که بعد از بازگشت به استرالیا، تلاش کنم که در کتاب‌ها و برنامه‌هایمان به ایران توجه بیش‌تری کنیم. با وجودی که استرالیا، جزو قاره‌ی آسیا است و کشور ما با برخی از کشورهای آسیایی، به خصوص اندونزی، مالزی، چین و هند، ارتباط زیادی دارد، متأسفانه تا مدتی پیش، به مسائل تاریخ اروپا بیش‌تر از آسیا توجه داشتیم. شاید این رویکرد متأثر از آن باشد که کشور ما مدت‌ها مستعمره‌ی انگلستان بود و ما در امور متفاوت کشورمان به اجبار تابع سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی انگلستان بودیم. ما الان متوجه این ضعف شده‌ایم و به دنبال جبران آن هستیم. حتی این موضوع در مورد تاریخ خود استرالیا هم وجود داشت. یعنی تا هنگامی که سلطه‌ی انگلستان بر کشور ما زیاد بود، بومیان استرالیا چندان مورد عنایت نبودند. در حالی که هم اکنون، ما تلاش می‌کنیم که دانش‌آموزان را به سمت این موضوع، یعنی بومیان استرالیا، بیش‌تر سوق دهیم و از این طریق، به آن‌ها بگوییم که استرالیا هم تاریخی طولانی دارد.

● آیا معلمان استرالیا در آموزش تاریخ برای سن‌های متفاوت، از روش‌های آموزشی و وسایل کمک آموزشی متفاوت استفاده می‌کنند؟

○ شکی نیست که باید نسبت به توان مخاطبان، روش‌های آموزشی و وسایل کمک آموزشی مورد استفاده را تغییر داد. معلمانی که می‌خواهند به آموزش تاریخ برای سن‌های پایین‌تر بپردازند، باید متوجه باشند که کودکان و نوجوانان با دیدن اصل یا عکس چیزهای قدیمی و مقایسه‌ی آن‌ها با ابزارها و وسایل کنونی، راحت‌تر متوجه تغییر امکانات در گذر زمان می‌شوند. در حالی که معلمان دوره‌ی متوسطه می‌توانند، با استفاده از مندرجات اسناد و کتاب‌های تاریخی، به تبیین هر چه بهتر برخی موضوعات، مانند برده‌فروشی، بپردازند. برای مثال، چنانچه معلمان دوره‌ی ابتدایی بخواهند موضوع برده‌فروشی را در کلاس طرح کنند و آموزش دهند، ممکن است با نشان دادن قلاده‌های بازمانده از روزگاران قدیم و نیز چند عکس درباره‌ی این موضوع بتوانند هم مخاطبان را به موضوع علاقه‌مند سازند و هم فهم مطالب را آسان کنند. در حالی که ممکن است در دوره‌ی متوسطه، معلمان به کمک اسناد و متن‌های تاریخی و در قالب کاری گروهی، ابتدا مندرجات منابع را در مورد برده‌فروشی و برده‌داری بررسی و آن‌گاه دانش‌آموزان را به تحلیل تاریخی و جامعه‌شناسی موضوع راهنمایی کنند. حتی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه می‌توانند، درباره‌ی درستی یا نادرستی

منابع تاریخ‌نویسی هم مذاکره و مباحثه داشته باشند.

● به گفته‌ی خودتان در تألیف هفت کتاب درسی همکاری داشته‌اید. در صورت امکان بفرمایید، روند کلی تألیف کتاب در استرالیا چگونه است؟

○ در استرالیا، برنامه‌ی درسی هر یک از درس‌ها را دولت فدرال، با همکاری ایالت‌ها تنظیم می‌کند. البته ایالت‌ها، در زمینه‌ی برنامه‌ریزی امور آموزشی اختیاراتی دارند و تابع محض دولت فدرال نیستند. پس از نهایی شدن برنامه، تألیف کتاب بر مبنای مندرجات آن، مورد توجه قرار می‌گیرد. در استرالیا، کتاب درسی واحدی برای آموزش درس‌ها نداریم. معمولاً برای هر درس، چندین کتاب درسی در بازار نشر وجود دارد. مدرسه‌ها و معلمان، از کتاب درسی، به عنوان وسیله و ابزاری برای آموزش درس خود استفاده می‌کنند و هیچ‌گاه تابع محض مندرجات، کتاب‌های درسی نیستند. روال کلی آن است که وزارت آموزش استرالیا، برنامه‌ی درسی را به همراه مجموعه‌ای از ضوابط و مطالب کلی ابلاغ می‌کند و آن‌گاه ناشران بر اساس طرح مورد اشاره، دست به تألیف و انتشار کتاب می‌زنند. در هر مدرسه، معلمان مجازند با بررسی کتاب‌های موجود، دست به انتخاب بزنند و یکی از کتاب‌های درسی موجود در بازار را برای آموزش برگزینند. البته ناشران برای فروش کتابهایشان، موظفند که به اصول کلی مورد نظر وزارت آموزش استرالیا توجه کنند. معمولاً تألیف کتاب‌های درسی، با مدیریت ناشران و به صورت گروهی انجام می‌شود. آن‌ها برای این کار، تعدادی از متخصصان موضوعی، معلمان و کارشناسان برنامه‌ریزی درسی را دعوت به همکاری می‌کنند. این افراد، تألیف را به صورت کاری گروهی دنبال می‌کنند و با همدیگر همکاری تنگاتنگی دارند. کتاب تألیف شده، به نظرخواهی تعدادی از معلمان و صاحب نظران گذاشته، و اصلاح و تکمیل می‌شود.

● ممکن است نشانی سایت آموزش تاریخ استرالیا را اعلام کنید؟  
○ بله. در این پایگاه اطلاع‌رسانی، شما می‌توانید علاوه بر آگاهی از وضعیت آموزش تاریخ در استرالیا، برخی کتاب‌های مربوط به آموزش تاریخ را نیز بخوانید و پرینت بگیرید:

<http://www.hyperhistory.org>

● از این که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید، سپاسگزاریم و برای شما آرزوی موفقیت داریم.

زیرنویس

1. John Lidstone
2. Deborah Henderson
3. Queens land
4. Queensland University of Technology